

استقلال اقتصادی، ریل نفت و سیاست رژیم ولایت فقیه

(با داده‌های درج شده تبلیغات حکومت بر سر مسئله فروش نفت)

صفحه ۸



شماره ۱۵۰ " حقیقت " ۳ دی ۱۳۶۰

طبقه کارگر، بحران اقتصادی و مبارزه سیاسی بر علیه حکومت ولایت فقیه (درحاشیه رشد مجدد مبارزات کارگری علیه حکومت)

رژیم سلطنتی بطوری درخنده،
اول بهمه ۱۳۴۰ برای رهاشی
از این بحران، سرکوب و حشمانه
طبقه کارگر ایران را هسراه
با دادن امتیازات اقتصادی
اعمال مینمود، رژیم سلطنتی
ولایت فقیه برای رهاشی از
بحران، سرکوب طبقه کارگر را
با جگری و فشار اقتصادی
بر این طبقه هنرا کرده است.
سیاست با جگری و فشار
اقتصادی بر طبقه کارگر که از
پا شیزه سال شدت اعمال
گردیده، تا بحال به سه شکل
بنفیه در صفحه ۲

به طبقه کارگر "حل" کمیسود
پول، سیاست با جگری و فشار
اقتصادی بر طبقه کارگر را در
پیش گرفته است. سیاست
با جگری و فشار اقتصادی بر
طبقه کارگر، در ادامه و تکمیل
سیاست سرکوب همه جانبه
مقاومت و مبارزه این طبقه،
در دستور کار رهبت ها کمیسه
فدکا رگر کنونی قرار گرفته
است. انتخاب وزیر جدید کسار
و اعلام موضع او از همان صحابه
اولش مبنی بر اینکه "من به
کارگران باج نمیدهم"، نمود
نهای برای مدعا است. اگر

بردوش طبقات انقلابی و
مترقی جامعه در شرایط کنونی
از طبقه کارگر تا بسوروزوی
ملی گذارده شده و این طبقات
مفارج سنگین آنها متحمل
گردند. وهما تصور که زندگی
و نجر به چند ماه گذشته نشان
میدهد، بیشترین سنگینی بر
دوش طبقه کارگر ایران فرسار
گرفته است.
فوری ترین مسئله بحران
اقتصادی مقابل پای حکومت
مسئله کمیسود پول، سرمایه و
اعتبارات ارزی است. رژیم
ولایت فقیه در انتقال بحران

رژیم ولایت فقیه خصیصی
در تلاش خویش برای تثبیت
حکومت مبنیه، مشروعیت و
غیا نت همیشه خود با بحرانهای
عمیق و رشد یافته سیاسی و
اقتصادی، بویژه از آغاز پاشیز
امسال، روبرو گشته است.
بحران اقتصادی حساری در
حاشیه یکی از مسائل اساسی
مقابل پای حکومت و از جوانع
و سدهای اساسی برای تثبیت
ولایت فقیه در جامعه ما است.
این بحران، بنا بر ماهیت
انگلی و بسوروزوا - مشوالسی
حکومت کنونی، می با مبنی

کودتای دولهستان

چگونه سوسیالیستها دروغین به
جنگ نهفت کارگران میسروند

بالاخره حکومت لهستان تحمل جنبش کارگری این کشور را
نتوانست و صبح روز بیست و دوم آذر نیروهای انتظامی و نظامی
به فرمان با روزلسکی و کودتاگرانی که در "شورای نظامی
و ستگاری ملی" متجمع شده بودند و با پشتیبانی آشکار مقامات
کوری و ژنرال کولیک فرمانده نیروهای نظامی بهیسان
سوسیال امپریالیستی و رفو فرایط فوق العاده حکومت نظامی
را در کشور اعلام نمودند.
همزمان با این بیاضیه که توسط با روزلسکی از رادیو و
تلویزیون فرات گزیده بنفیه در صفحه ۵

ولایت فقیه ناچار از وابستگی است

ایمان بر سر کارگانها با لایحه نتیجه محتوم خود را در لایحه استخدام
مستشاران خارجی نشان کرده
روز ۲۲ آذر ماه امسال
مجلس شورای اسلامی لایحه
تنگینی را با اکثریت قاطع
آراء به تصویب رسانید که روح
و حقوق الدوله را قرین شادی
کرد. آقای بهزاد نبوی بنفیل
زمان و پیشتر از زشید آمریکا
در مسئله کارگانها با طسوح
این لایحه در مجلس راه و امراه
پیموشن دولت به هر گسسه دول
وابسته هموار کرد.
لایحه فوق که بنفیل
استخدام افراد برای ه حاج از
بیاضیه "الجزایر" غاصبده
میشود، شامل یک ماده واحده
با دو ضمره میباشد. ماده واحده
به دولت اجازه میدهد تا بنفیل
بنفیه در صفحه ۳

پنجمه از صفحه اول

طبقه کارگری ۰۰۰۰۰۰۰۰

برورسوده است. بیکم آنکه بخشی از حقوق کارگران که بصورت حتمی پرداخت میشد، بتدریج و با سرعت در حال حذف شدن میباشد. در این زمینه میتوان به بخشنامه اخیر دولت استناد نمود. بخش نامه دولت واسطه گری و دلال منش کمپنی تحت عنوان مبارزه با واسطه گری و دلالی! در میان طبقه کارگری و اتحادیه ها همگوشی و برقراری عدالت میان کارگران پرداخت خسارت حق التعمیر کارگران را ممنوع نموده است. بدین ترتیب بخشی از حقوق کارگران که بصورت حتمی پرداخت میشد، با اعمال معادلات بخشنامه قطع میگردد. بدون آنکه دلت کم معادل آن تر حقوق بولی کارگران اما هم گردد. بیمه ان مثال سهمیه کارگران کارخانه های سیاه که هر دو مال یک پیکان بود، را قطع کردند. و سایر کارخانه کفش ملی ۱۵ کیلو سهمیه ماهانه، برنج و حبسین سهمیه مرغ را قطع کرده و به بهانه کمبود گوشت آنها را تعطیل کردند. دوم آنکه حکومت به اخادی مسقیم پول و بستی عوارض برای طبقه اقدام نموده است. بدین ترتیب که دولت برای رفع مسقیم کمبود پولی خود به عنا و بستی مختلف اقدام به اخادی از طبقه کارگری نموده است. این اخادی ها بطوریکه گفتم ازها شش سال شد، به تدریج با فتنه است. بعنوان مثال میباید از جمع آوری پول به آنها بکشد کمک به تبلیغات اطلاعاتی در

خارج از کشور در کارخانه ها با فکار و با جمع آوری پول تحت عنوان کمک به جنگرگان و امثالهم در کارخانه ها مختلف از جمله کارگاه شهرک آنها را تا نام برد. و با به بستن عوارض بصران ۱۳۰۰۰ تومان بر رانندگان رهنمکنش کامیون دار میهن ما، که قبلا ملزم به پرداخت هیچ گونه عوارض و باج دهی نبودند. میتوان اشاره نمود. سوم آنکه دولت انتقال بحران بر دوش کارگران را بصورت تعطیل کارخانه ها و بیسکار نمودن کارگران، بستن پرداخت ما به التقا و بی سبب آنان، عملی نمائند. بدین ترتیب که دولت برای تعطیل نمودن کارخانه ها اعلام نموده است که کارخانه ها میبایستی زده بندی شده و بر اساس این زده بندی و ارز - با بی از وضعیت اقتصادی کارخانه ها و بوددهی آنها، اقدام به تعطیل کارخانه ها نمود. بنگ نمونه از این سیاست زده بندی نمودن کارخانه ها به این ترتیب است که کارخانه نجات به سه گروه ضروری غیروظیفی (اما نند و قابل مورد نیاز تولید) و رفاهی ضروری (اما نند و قابل غیر ضروری (اما نند و قابل تقسیم شده و بستی هر گروه در درون خود به بخش با لیس، بهما و قابل علاج و بهما و غیر قابل علاج زده بندی گسرد. آنوقت با توجه به موفقیت اقتصاد کارخانه ها و کمبود اعتبارات در زمینیه وارد کردن مواد اولیه و امثالهم اقدام به تعطیل گسردن کارخانه ها نمود. مثلا در حال حاضر از مجموع ۱۳۵ کارخانه با رمان گسترش صایع، تنها ۲۵ کارخانه فعال است و طبقه وضعیت مشخص و معینی نداشته و بسیاری در آستانه تعطیل شدن قرار دارند. از جمله کارخانه های که در زمینیه

پهوشش به سبیل کارخانه ها تعطیل شده هستند. عبا رنند از جنرال الکتریک، هوست و فلور. کارخانه های که نموده و سیمی ارکارگران را تحت پوشش خود قرار داده اند، و با بخش آرایش کارخانه ها تولیدارو و مینو تعطیل گردیده است که بعنوان مثال تعطیل شدن یک بخش ارکارخانه تولیدارو و منجر به اخسراج و سیکاری ۳۰ کارگر شده است. اینها همه نمونه های کوچکی از آنچه در آینده در انتظار طبقه کارگر میباشد. بوده و بیسکاری را در ابعاد بسیار وسیعی در ما خواهد زد. مسئله بی سبب است. موقعیت کارگران، بنگ نتیجه مهم عملی از سیاست ضد کارگری و انگلی هیئت حاکمه کمپنی است. کارگران در موقعیتی بی سبب قرار میگیرند تا رژیم ولایت فقیه با ثبات گردد! یعنی با ثبات نمودن وضعیت سوزو - فنو دال ها بخت سوز بی سبب است. موقعیت کارگران و سبب بیسکاری نمودن آنها، و البته زهی تصور باطل گسسه حکومتی که ما زور سر سبزه و باج گیری و بیسکاری نمودن افزایش کارگران بتوانند حکومت خود را تثبیت کند.

در نتیجه طبقه کارگر ایران علاوه بر آنکه با سرکوب مبارزات خویش و لغو هرگونه حقوق دموکراتیک خود، در صورت زده نام التزامات بیسکاری، کاهش امتیازات اقتصادی، باج دهی زمینیه افزایش آنها در شرایط گراتی قیمت ها و تورم اقتصادی و سوز و کارگران بتدریج در با فتنه و خربه میسارند. طبقه بی سبب است. آنان می آموزد که وضعیت رژیم ولایت فقیه تحت عنوان استمرار حکومت استبداد استبداد و حکومت جدا بسرانان فتنه ای جزا و کسسه دادن از ادبها و حقوق سیاسی و

دموکراتیک خویش و با سببمانی و بدتر شدن دامالتر استبداد موقعیت اقتصادی به بسیار نخواهد آورد. هما بطوریکه در ۶ ماهه اخیر به روشنی و بستی صراحت نشان داده است.

ولی طبقه کارگران ایران در مقابل حکومت جبار و مشروعیت گزینی ها مسوش نبوده و هما بطوریکه در مقابل با کودتای حتمی سرعلیه مردم و حقوق دموکراتیک آمان، از فعالترین اقشار و طبقات مردم در مبارزات خود است. ما اعمال بود، این بار نیز پیش از هر ضرورت طبقه ای در مقابل فتنه ها و تحمیلات اقتصادی رژیم با خاسته است. بعد از یک دوره رکود چند ماهه بعد از زده ناما سال در مبارزات کارگری، در یک ماهه و اندکی اخیر ما شاهد گسترش و رشد مجدد مبارزات کارگری، بویژه در سرخورد و مقابل با سیاست های ضد کارگری حکومت در تحمیل بحران اقتصادی به آنها، میباشیم. نمونه های از مبارزات اخیر کارگری در یک ماهه و اندکی اخیر عبارتند از:

۱ - اعتراض و مبارزه وسیع چند هزار نفره کارگران ایران تا سیونال برعلیه سیاست دولت مبنی بر قطع حواله بیگان که در هفته دوم آذر ماه صورت پذیرفت. این مبارزه به مبارزات کارخانه ها نیز امتداد یافت که منجر به اعتراض کارگران کارخانه خودروسازان و کارگران کارخانه های ایران ساپا (که تولیدکننده جیب ورنس هستند) و احتیاج آنها شد.

۲ - مقاومت و مبارزه کارگران کارخانه با مکار بهر از جانب دولت برای کمک به تبلیغات اسلامی در خارج و همچنین برعلیه سیاست دولت مبنی بر تغییر کیفیت کار کارخانه که سرودهای بسبب شدند نموده و بصورت احتیاج

همه از صفحه اول
 ولایت فقه ما چاره.....

مخبره که بلبل مستعد دیگر هم
 به خودمان حریف شده اند
 تا شما جنبه اقتصادی و مالی
 این دعوا... چه مردمی...
 مبلغ اقتصادی و مالی دعوا
 معارج دادگاه و وکالت...
 عهده طرف محکوم خواهد بود
 و در صورت پیروزی طرف مقابل
 می بایست تمامی مخسار ج
 سنگین اقامه دعوی را متحمل
 گردد.

البته پس از سخنان
 آقای نبوی، برخی از نمایان
 یندگان بصورت مخالف پشت
 میگردونون فرار گرفتند و
 مخالفان شی کردند که سید
 بدتر از گناه بود. مثلا یکی
 می گفت که چرا اینقدر دولت
 تحلیل کرده و سردبیک به یک
 ماه مانده به اقامه دعوا این
 لایحه را تنظیم نموده، و اینکه
 میبایست لایحه را زودتر تهیه
 مجلس می آورده است. و
 دیگری تحت این عنوان گسه
 دعوی آمریکا علیه ایران
 شامل مصوبه ۴ مساعده ای
 گذاشتی مجلس نمیشود، صی -
 خواست جلوی این لایحه را
 بگیرد، اما قبل از اینکه این
 لایحه نتیجه گریزنا پذیر
 سیاست الجزایر، و سیاست
 الجزایر بشود، محتسوم
 با زنگاری هیئت ها که خائن
 ایران با آمریکا بر سر
 گروهکهای جا سوس بود.

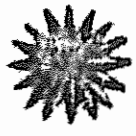
بهر حال گوشتی آفتاب
 نیوی کلمه رمزا گفتند، و
 مخالفین بجای خود نشنیدند و
 دم برنیا وردند و لایحه
 اکثریت آراء مجلس نشینان
 تصویب گردید.
 همین آقایان خیانت...
 کارگه در زمان امضاء سیاست
 الجزایر هوا می کشیدند پیروز
 شدیم امروزه یکبار به بیادشان
 اعتقاد که میباید شکستی در پیش
 ها رسد که ما به آبروریزی شود.
 معلوم نیست که به پیوسته روزی
 گذاشتی که این همه فریادش را
 میکشیدند به کجا رفت گسه
 دقیقه در صفحه ۴

کودتا در لهستان

اردو تا سوسیال را مبریا لیس برای ارفاق سمیت کارگسری
 لهستان در این مدت چندما نورنظامی در اطراف لهستان
 شرکت موای پیمان و روشی را کردند. فرض این بود با طرح
 مسئله اشغال نظامی، کارگران را به تسلیم یا دستکم به باز
 و ادارا راند. گرایشات سازشکارانه در رهبری اتحادیه همبستگی
 و همچنین در کلبیای کاتولیک که در سهفت از نفوذ قابل توجهی
 برخوردار است نقطه اتکاء طبقه حاکمه بودند.

درست در چنین اوضاع و احوالی نخستین کنگره اتحادیه
 همبستگی در سطح کشوری در گدانسک برگزار شد و نه تنها
 خواست های کارگران را به سطح بالایی ارتقا داد بلکه با
 طرح خواست تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری در سراسر
 کشورهای بلوک شرق مبارزه خود را با اتحادیه ای ملی بخشید.
 برای اربابان مسکوتانیم شد که کاتولیک سیر نمی توانست
 که او را انتظار میرفت با زی کند و پیمان برای در عکس العمل
 نسبت به نتایج کنگره، با روزلسکی جا یگزین کاتولیک شد
 (ازهای بجای شریف اما می - بهرک کارمل بجای حفیظ الله
 امین) با روزلسکی به مثابه یک فرمانده نظامی کسسه در
 رهبری حزب و کشور قرار گرفته بود بلافاصله دست بکار شد و با
 تهدید و ارتعاب و بخصوص با طرح خطر حمله قوای پیمان و روشی
 کوشید تا همبستگی را به سازش بکشانند. چندی بعد جمله ای
 شرکت رهبر اتحادیه همبستگی لئو والسا ورشیک کلبیای
 کاتولیک و با روزلسکی برگزار شد تا زمین را برای سازش
 فراهم نماید. اما بحران و فتنه را رهبران به این سازش دریا لا
 وقتی نتواند درگیری در تمام اتحادیه ها گسترده شد. در او
 با شهر چنانکه خبرگزاری های لهستان گزارش میکنند در یک
 جلسه اتحادیه همبستگی نمایندگان کارگران تما یلات سیاسی
 خود را که در جریان مبارزه شکل گرفته بود آشکارا به پیمان
 می نمودند. دیگر برای هیچکس نیکی باقی نمانده بود که درگیری
 قطعی با حکومت نزدیک است. تشکیل کمیته های مسلح کارگری
 مطرح شد. یک کارگرا اعلام کرد که نبرد سوسیال سرتکونی حکومت به
 پیش میرود. رهبران "همبستگی" آماده میشدند تا سرتکونی
 حکومت را به مثابه خواست بعدی خود مطرح کنند که با عکس العمل
 کودتا گرانه با روزلسکی مواجه شدند. و چنین شد که کودتای
 کنوسی در لهستان شکل گرفت.

آنچه در لهستان اتفاق افتاد، بسیار آشکارا این مسئله
 است که حکومت های باصلاح کارگری کشورهای اردوی شوروی
 نه تنها کارگری نیستند بلکه مدکارگری اند! نه تنها
 فدکارگری اند بلکه آماده اند تا به نبرد مسلحانه با طبقه کارگر
 برخیزند. بهران لهستان خیزش های کارگری در این کشور و
 عکس العمل های حکومت لهستان همه شواهدی است که
 ما هیت سوسیالیسم کاذب منکوا قمارش را بر ملا میبازد. اما
 آنچه در لهستان میگذرد در شرایط کنونی جهان و اوضاع
 بین المللی و همچنین در ارتباط با دورنمای مبارزه ای که
 در این کشور در گرفته است حائز اهمیت میباشد. به شش
 شماره های آینده ما به بررسی این جنبه ها از رهبرهای لهستان
 بپردازیم.



پشمه از صفحه اول

کودنا در لهستان ۵۵۵۵۵

اهداف آنها بخواره، سو سال امیرنا لسم روس خدمت منما بسند،
 ار سال ۱۹۵۲ که در کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی
 سیکمنا ی فرونیف حرکت در راه سرما به داری را در سطح کورهای
 سو سال منشی آلمان و یارش با سرما به داری اتحاد ری ادر جمعه
 جهاسی برای کمونیستها به جویر کرد، آنها که بر راه فرونیف و
 خانشینا بش پیوستند و یک نمونه آن همین حزب و دولت لهستان
 بود، در سرائیسی علمیدند که آنچه ما در لهستان کمونیستی منما هسته
 میکنیم منما یکی از نتایج آن است.

با ارتداد از ما رکنیسم انقلابی که در اصول اقتصادی و
 بر ما مهری میبنا را بر سر آوردن هر چه بیشتر بر ما مبدیهایی
 اقتصادی و فرهنگی حاصه میگردد حصرات مرندین رویز سویت
 اصل سودآوری سرما به را مبنای بر ما مهری از اعتمادی سرار
 دادند، با فرار گرفتن این اصل در مرکز سویت بر ما مهری سسه
 تنها عقب افتادگی های اقتصادی کشورهایی ما سندا لهستان
 شدیدند بلکه کارهایی رسیدند که در سالهای اخیر لهستان به منما
 بهار با ما منکو بلکه حتی به دول غربی میلیونها دلار بدهکار
 شده است و مردم این کشور در غرقاب یک بحران شدید اقتصادی
 دست و پا میزنند.

در تابستان ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۹ شمسی) در شرایطی کسسه
 افتخار دبحران زده لهستان دیگر تحمل فنا رهای جدید را نداشت
 دولت ادوا زدگیرک که خود در نتیجه اعتمادات سالهای دهسه
 هفتاد برای فریب کارگران بر سر کار آمده بود، مجبور شد با
 با لایردن قیمت کالاهای ضروری زندگی چهار رهای برای انقلابی
 که گریبا نگیرشان شده بود بگوید، عکس العمل کارگران لهستان به
 بالا رفتن قیمت ها یک اعتماد وسیع کارگری بود که تنها در شهر
 گدانسک ۱۶۰۰۰ کارگر را در بر گرفت، مبارزه کارگران بخاطر
 وجود دیکتا توری خشن حاکم لهستان بر عهده سیاسی شد و کارگران
 اعتمادی خواهان تشکیل اتحادیه های آزاد (مستقل از دولت)
 کارگری شدند، در ادامه همین مبارزه و در اثر قدرتی که از اتحاد
 کارگران بر میخاست، دولت آنوقت جمهوری عقب نشینی شد و
 نخست وزیر کار برکنار شد و حق تشکیل اتحادیه مستقل کارگری
 بر رسمیت شناخته شد، "اتحادیه همبستگی" پس از تا سپس در مسدیت
 چند ماه میلیونها نفر کارگر را در صفوف خود متحد ساخت و بسسه
 سازمان نموده ای کارگران لهستان تبدیل شد.

رشد نهت کارگری به ایجاد حرکت در میان کسسا و روان و
 همچنین کارمندان دولت و روشنفکران اینجا میدوما زمان های
 نموده ای دیگر در محور "همبستگی" شکل گرفتند، اتحادیه
 همبستگی هر روز نیروهای بیشتری از کارگران لهستان را متحد
 میکرد، بدستور مسکو برای جلوگیری از رشد نهت، کنبرک از منفا
 مات خود خلع شد و بجای او استانیسلاو کاتیبا مسئولیت رهبری
 مبارزه بر علیه خلق و نهت کارگری لهستان را بر عهده گرفت
 (آمریکای بی جای هویدا - حفیظ البله امین بجای ترکی - کاشوکی
 بجای دیم درویشام!) چندی بعد در اجلاس هیما و روش سو در
 مسکو آریمان کرملین دستور سرکوب جنبش کارگری لهستان را
 صادر کردند و اعلام داشتند که در غیر اضورت فوای شوروی و هم
 بیجا تاض لهستان را اشغال خواهند کرد، جنبش کارگری لهستان
 ستون های اردوگاه سو سال امیرنا لسم را برانداخته بود، در سال
 امسال کارگران و کتا و روان لهستان به یک اعتماد کوا به بد
 دست زدند و خواهان بر رسمیت شناخته شدن اتحادیه کشاورزان و
 آزادی بیشتر شدند، اعتمادات پراکنده کارگری، در شهرهای
 مختلف در تابستان ادامه یافت.

بنا مات کودنا بر ما عمل به در راه به منما راصادر
 نموده بودند که در آخر حطه عده ای از رهبران اتحادیه کارگری
 دستگیر شدند، بلافاصله رباط لهستان با جهان مطم سسد، در
 فتا با آنها بنگز دو سوع آغاز کردند، سش از ۵۰۰۰۰ نفر دستگیر سو
 شدند، سازمانهای کارگری و همچنین شکلات های کسا روزان
 دانشگاه ها، اتحادیه های صنغی روزانه نگاران و... همه مورد
 عمل قرار گرفتند و عاقبت بهارش ویلیس لهستان دستور سسر و
 تلنگ سوی معترضی داده شد.

از طرف دیگر اعتماد عمومی کارگران لهستان در برابر
 کودنای حکام و روگو سرگ دیگری ارکبات تاریخ میسارزات
 طیفه کارگر اتحادیه را فرس لهستان شد، اعتماد عمومی کارگران
 با اعتمادات کتا و روان و روشنفکران همراه شد، بسسه سازی
 کارخانه ها صبه، حص کارگران شدند، کارخانه کنشی سازی
 لیس در سدر گدانسک توسط کارگران اشغال شد، در کاشوکی در
 سویت عرسی لهستان در روز ۲۲ آوریل با عهده میان کارگران و
 نیروهای امنی رد و جود در میان داشت، همبستن، کارخانه
 سزا کوزناری اور سو و منطقه دیگری در جنوب شرقی بر فورد
 های مسلحانه گزارش شده است و هر روز خبرهای جدیدی از کسرتن
 عیار و اب مسرد.

ما خوای لهستان چیرنا زهای نیست، اعلام حکومت نظامی
 توسط "توزای نظامی رسنگاری ملی" با آژور کودنا هسسی
 مضمونی است که در جهات رگوشه جهان در این سالها انصیسا ق
 امنا ده است، دعوت در کلمات سیاسی با روز لکنی انسان را سید
 سچنان بیمنه جی اندارد که او هم از رهبر گریس کشوری در لبسه
 برنگاه سخن میگفت و میگوید با این سریب حکومت نظامی
 خود را سوخته کند، ما در همین اشکال ما نمونه کودنای ترکیه را
 داریم که بنا م بحاب و رسنگار کشور حکومت میان آمریکا بر سب
 سراسر کشور خاکمید، و امسه کودنای نظامی در لهستان بسسگ
 نمونه دیگر کودنای است که ما سدا کودنای اخیر همی و عسرت
 جمهوری اسلامی با عنوان جلوگیری از کودتا با سب سسد
 کودنا به میدان آمده است و از این نظر هم خبر ساره ای نیست چرا
 که ساریج نارها و نارها به سگونه سوطنه های عوا مغربیا سسه
 کودنا سچنان نهاد داده است.

لیحه در تاریخ لهستان جدید است این است که ابسسی
 کودنای صد کارگری و صد دیو کراسک در کشوری صورت منگره کسه
 حکام آن ادعای بیامندگی طیفه کارگری و سو سال لسم را رسد و
 در اسحا سدا این سثوال مطرح میشود که اس چه سو سال لسمی
 ایس که ما طیفه کارگری و در رو بر ار گرفته و برای سرکوب کسا ر
 گران سوسر سزه و کلویه موبل شده است؟

جواب نه ای سثوال برای خوا بیندگان ما روشن است، ما
 سگوشم آنچه در لهستان حاکم است سو سال لسم سبب بلنگ سسد
 سرما به داری است و آنها که در اس کشور طیفه جا کس را سبب
 سدهت کارگران و سبب مدگان کمونیست آنها نشینند بلکه
 گروهی سرما به داران دوکتی هستند که از ارزش واقعی حاصل از
 دس مرخ مردم لهستان خود را تا من میکنند و برای سبب سسر

اخبار

خود را در صحنه افتخار و کشتار بشجاعت گذاشتند، و نجس باغ
هرا مان شد و رو به پاشیدگی رفت، فردای نزدیک غمگین مردم
سرب مذاب میشود و ارتجاع را از خاک وطن میروید.

اخراج کارکنان مغایرات تهران

طی چهار پنج ماهه گذشته نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارکنان
مغایرات تهران را حکم انفعال از خدمت داده اند. احکام به
تیمبره ۲۰ بند ۲ قانون شاه که از اختیارات مدیریت مل است
ما در گذشته و ملل صدور آنها بعد از گذشتن از مال که بعد از تکمیل
خواهد شد (!) ارجاع گردیده است. در این رابطه چندین بسیار
کارکنان مشمول انفعال از خدمت و همچنین شاغلین (بیشتر
کاربرین المللی و ...) شروع به تخلف و ناسازگاریها اختصاص
کرده اند که با هم میسر و را و با شرفی و غیر رسمی رژیم
سرکوب گردیده است.

علل واقعی ضروری این احکام یکی راپرت های جا بجا
راجع به حرکت های مشکوک در قسمتهای فنی و حواس و تفکیک
هسته های مغایرت و دوم عدم اعتماد داشتن با به در این ارگان
حساس و جایگزینی افراد مورد اطمینان به جای آنها و سرانجام
تورم کارمندان و فلاح دولت از ریاضی گردیده است. از صدها پیش
افراد حزب اللهی را به بهانه کار "فی سبیل الله" در بخشهای
مختلف گمارده بودند تا ندریجا کارآموزی کرده و جای مدرسین
خود را اینبار "فی حزب جمهوری و شرکاء" اشغال نمایند. که
التماس این طرح موضح گردیده و به آنها چیزی یاد داده نشده بود.
در قانون شاه به کارمندان منضبط قسمتی از حقوقشان را
میدادند ولی با چگونگی احکام به معیشت این کارکنان و خانواد
دهها پیشان هم رخم نگردیده و دستور به قطع کامل حقوق آنها تا تمهید
تکلیف داده اند. در ضمن مدیریت مل مذکور از نزدیکان قسمتی
وزیر بدرک و اصل شده. مغایرات در سازمان حزب جمهوری بوده
است که با کارنامه صاف و فداکاری و اوپا نگری به این مجلس
شعب ارتقاء یافته است.

خاتمه مسابقات فوتبال

ودفع یک رقیب برای نماز جمعه تهران

هفته گذشته مسابقات فوتبال با نگاه های تهران پایان
پذیرفت و هیئت خاکه و برگزار کننده گان نماز جمعه تهران نفسی
سراحت کشیدند. در آخرین هفته این مسابقات در روز جمعه در
مسابقه تیم پرسپولیس بیش از ۸۰ هزار تن به هوا خواهی از تیم
پرسپولیس در استادیوم آزادی جمع گردیدند. در حالیکه در همین
روز در نماز جمعه تهران حدود ۳۰ هزار تن شرکت کرده بودند!
مسابقه پرسپولیس به علت محبوبیت این تیم در میان مردم در چند
ماهه اخیر بصورت رقیب برای نماز جمعه درآمده بوده بطوری
که مسئولین تربیت بدنی بارها تهدید به تعطیل این مسابقات
نموده و حتی بگنای برای باصلاح جمع آوری مردم مسابقه تیم
مذکور را تعطیل کردند (روز را همیما می بود). مسابقه تیم
پرسپولیس در چند ماهه گذشته در همین حال صحنه اعتراض مردم
بر علیه سیاست های ارتجاعی حکومت در ورزش و تربیت بدنی شده
و بارها به نظرات بر علیه مسئولین تربیت بدنی کشیده شده بود.

"مرگ بر خمینی"

روز یکشنبه ۲۶ آبان خانواده زندانیان برای کسب
تکلیف و ملاقات به مرکز زندان سیا در خیابان ملک آباد تجمع
میکنند تا گمان لیبشی از افرادی که دیوار چسبانده میشوند
جمیعت برای خواندن هوم میبرد. بلکه با می ۱۳ انقلابی شهید
دیگر گواهی گردید. صدای ناله و غوغا با لاسیکوید. صدای
میوه و شوکه گشته اند. چشمان همگان را اشک و خون فرا گرفته.
خشم و کین در دلها، نگاه ها و فضای آنجا موج میزند. میخواهند
بشکنند این اوضاع را... ناگهان بانگ مرگ بر خمینی از دل
جمیعت بیرون میزند! تکرار میشود، تکرار میشود، و شصت و شصت
جمیعت میگردد: مرگ بر خمینی! جمیعت بحرکت میاید
با نظرف خفا با نخل عبور مانده به نزدیک شده. جاده بسترس
میخورد. با صدایان کودتا و جنت از کنار در بهای فرا گرفته. همه
تا لای تا روزها میروند. شور و هوایی شلیک میشود... جمیعت فریاد
میزند "مرگ بر خمینی"، مردم چنان مشتین و بیاری میطلبند...
از نماز جمعه میگذرد، درون یک انبوس بصورت یک آهوسند
آندوزنگ می اندازند که جاری میگردند به بهای پیش! چند بسین
وایت حزب اللهی تدارک شده به عرصه وارد میکنند. شعار "مرگ
بر مسافین" میدهند. چندین بار به جمیعت یورش میبرند. در
در مقابل هم شمار میدهند. با تداران تحت صاف به حزب الله
بواشکی نه عرصه وارد میشوند. تعدادی از تداران را با طلسه
به درون سیا میبرند. جمیعت در مقابل هم ماریا میچند و بیج
میکنند و رو به پراکنده شدن میروند. تداران را از در بطنی
خارج میکنند.

مردم شهر در روز یکشنبه ۲۶ آبان نماز جمعی شرکت کرده حضور

استقلال اقتصادی

بفیه از صفحه ۷

آنقدر سخت بوده که با طبیعت مکتبی آقای فری، مثل قطره آبی
در صاعقه ری به زان بجای رنده و آسمان رفته بود و انگار رنده انگار
که همین آقای فری همین رژیم جمهوری اسلامی بودند که تنها
دیروز قرار بود از پشت بعنوان "هر بهای سیاسی" علیه شیطان
بزرگ و شیطانکی استغاده گشته و کمرشان را بشکنند!
این تصویری بود از زار چها می نفت که پیش از یک دوران
افزایش شدید و غیر مترقبه قیمت ها، بخصوص پس از انقراض
ایران، چگونه کشور های اروپا تحت فشار عربستان و بسیار زار
تلفتی مجبور به تحویل و تضییع قیمت نفت خود میشوند. طبیعت
این مسئله چه بود؟

ایا ما دارد



نخبه از صفحه ۲۸

استقلال اقتصادی

البنه از نظر آقایان اگر این رفع مشکلات را بطریق متضمن وابستگی است. با عدم پیوستن در آن زمان خط اساسی خاکمان ولایت فقهی روشن شد: ما در آن هر چه بیشتر نفت وارد کردن کالاها که از یکسو درآمد دولت را با لامیسرد و از سوی دیگر کسوف کالای را از میان میبرد، در عین اینکه پول سرشاری به عیب نفتی از دلان سر از سر میماند. هم اکنون نیز این سیاست سستی تقویت میشود. اخیر آقای خا منهای در مطبوعات بعد از استغنا بستن به معارضت جمهوری برای روشن کردن سیاست ها پیشان محددات این سخت چند ما پیش را به میان کشیدند و منافع با مسدود شدن نفت را یک حیلۀ امیر با نیستی! در جهت فشار آوردن بر دولت "اسلامی" نامیدند که توسط بهره ااشان بنی صدر، بهیسان نفت و بهیست طریق تلویحاً سیاست افزایش فروش نفت را تا شمسد کرده. عملاً! که در منطق آقایان همه چیز ممکن میشود: دل سوختن برای رشد تولید و عدم تکیه به فروش نفت (هر چند این مسئله زبیدی و عمریستی صورت گرفته باشد) و وابستگی بیسسه امیر با لیسیم تولید میشود، اما فروش نفت و واردات بهیصا ب مبارزه با امیر با لیسیم! اخیراً نیز روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب کهدر پاسخ سؤال یک خواننده سیزاین تمامیل را بخوبی نشان میدهد: "ارجان به دیگر ما در شرایط امروز ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ با بدتفت بیشتر به فروش سرمایه نیم" (جمهوری اسلامی شنبه ۲۰ آبان ۶۰) حینۀ دیگر سیاست آقایان شامل آنان به ورود کالاها و صنایع موسا از برای فروش نفت و در نتیجه تداوم و شجاعت بندهای وابستگی ایران به بر قدرتها میباشد. بهترین نشانۀ این سیاست را می توان در بررسی یافت که اخیراً دولت است ایران برای افزایش قیمت نفت در سیمیا را شری و توسعه او یک دروین ارائه نموده است. در قیمت دوم این تزا آمده است: "... افزایش منطقی قیمت نفت هم به نفع ممالک در حال توسعه و جهان سوم است و هم به نفع کشورهای صنعتی، سوجه این امر بر این پایه استوار است که به با افزایش قدرت خرید ممالک عضو او یک که در اثر افزایش قیمت نفت او یک بوجود می آید کشورهای صنعتی نیز به با زار جدیدی برای مصرف کالاهای خود و در نتیجه ایجاد فرصتهای جدید اشتغال در داخل کشورشان که به رونق اقتصادی می آنها مددست خواهد یافت. (جمهوری اسلامی ۱۲ آذر ماه ۶۰). آقای غرضی وزیر نفت مدتی پیش بهیروا بیسی سیاست در معایبه ای در ژنویا خبرگزاری پاریس در پاسخ به ایی سؤال که آیا با قیمت گذاری اخیر او یک ایران کماکان مطمئن خواهد داشت گفت: "مشتری تنها با با طرف قیمت نمی آید. با اگر فروشنده خوبی با نیم موقعیت خوبی داریم که بتوانیم بهیست روش با زار تولید کشورهای صنعتی شویم. صنایع متوسط و بیک مرتب علاقمندند تولیدات خود را بدون واسطه فستراس راه اند دلار بفروشند..." (اطلاعات ۲۹ مرداد ۶۰). در اینجا آقای غرضی یک نوع معایبه با پای در مقابل نفت را پیشنها میکند که در آن بهیست قیمت خواهدیم کرد) ولی نکته اساسی اینست که ایشان چنینی به کشورهای غربی و شرقی میزسد و راه ورود

صنایع موسا ز به کشور را نشان میدهند. اخیراً سیر آقای با یکی سرچشمه ما زمان برنا می بود که این سیاست را در معایبه ای تا معایبه اطلاعات فلسفی موردنا کید ترا داده اند. این سیاست گفتند: "با معایف فروش نفت برای خرید صنایع سرمایه ای هستیم". (۶ آبان ۶۰) آنچه از لای ای گفته ها روشن میشود سیاست "مکتبی" ها " برای افزایش مدوریت و از این نظر بیسی با صلاح رتد و با به ریزی اقتصاد خود کفا میا شد که چنانکه در ما لا کنیم، این سیاست رویه ترکستان دارد و فقط معایف عسده ای دلال وانگل را در جا معنا میں میکند. بخصوص که سیاست آقایان در سا بر جنبه ها به حفظ با خباصت معایف دی گفته میا شد. تا اینجاست خط کلی حرکت حکومت جمهوری اسلامی در این زمینه (صرف نظر از دسته بندیها) که ممکن است بر سرچگونگی پیدا شدن این مسئله وجود داشته باشد) آشکار گردید.

قبل از اینکه به پاسخ سؤال ۲ بپردازیم، بهتر است ابتدا وضع بازار جهانی نفت را مورد بررسی قرار دهیم: در روز چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه سال جاری اجلاس فوق العاده او یک برای تعیین قیمت نفت و رسیدگی به وجود ما را در نفتی تشکیل شد. اکثر اعضای او یک به خاطر وجود ما ز ادبیتقای نفتی در بازار جهانی صیور به کاهش تولید شده و برای کاهش قیمتتها سخت فشار سرار گرفته بودند. در آن زمان عربستان اعلام کرد که سه اگر دیگر کشورهای تولیدکننده عضو او یک با قیمت پایه ای ۲۲ دلار برای هر بشکه نفت و تثبیت قیمت ها تا پایان سسال ۸۲ موافقت نمایند تولید نفت ارزان خود را که عامل مهمی در ایجاد ما زان نفتی بود، پایان خواهد آورد. عربستان در آن هنگام حدود ۱۰/۵ میلیون بشکه نفت در روز به قیمت ۲۲ دلار به بازارهای جهان عرضه میکرد و هدفش شکستن قیمتتهای نفت بود که در بازار از آن حتی به ۲۸ دلار رسیده بود. این پیشنهادها مخالفت برخی کشورها که نفت خود را بهیست رگرا نشانرا از این مبلغ به فروش میزسانند در پیرو شد. با توجه به فشار عربستان و وضع بازار، حتی اکثر کشورهای عضو او یک بر روی قیمت پایه ای ۲۵ دلار برای هر بشکه موافقت کرده اند، اما عربستان به زیر بار نرفت و همچنان بر سر حرف خود ایستاد و بدین ترتیب آن کنفرانس بدون اشد نتیجه و رسیدن به یک بهای واحد پایان یافت. در آن زمان غرضی وزیر نفت در معایبه ای گفت: "نظر ما اینست که هر نوع کاهش قیمت حیانت است". (اطلاعات ۲۹ مرداد) و بهیست برای تا کید جدید قبل از شرکت در اجلاس در پاسخ به این سؤال که آیا ایران نفت خود را کمتر از ۲۶ دلار خواهد فروخت یا خیر؟ بار گفت: هرگز! (اطلاعات ۳۱ مرداد).

چند ماه بعد در آنجا ماه اجلاس فوق العاده او یک دیگر با تشکیل شد. در شرایطی که آمریکا در پیرویی شیازی کنوسی خود از نفت، علیه برخی کشورهای تولیدکننده نفت، بخصوص لیبی و ایران، دست به تحریم زده و از این موضوع نه تنها بهیست بهیست اقتضای بلکه ما با بهیستوان هر بهای سیاسی بود صیور: تعطیل شرکتتهای نفتی آمریکا و عربی و سیسرون کشیدن بیش از ۱۵۰۰ صنعتی نفتی آمریکا از این کشور بهیستانه هم بهیست امنیت آسان و نیز زمزمه های جدی بهیستوان لزوم تسخیر مواجی نفتی جنوب ایران توسط آمریکا برای "حراست از نفت ها و زمینها" در این رابطه معنا می یابند. اینها همه به سیاست پیشنهادی عربستان شن در داده اند: "۲۲ دلار برای هر بشکه، تثبیت قیمتتها تا آخر ۸۲". عربستان نیز در مقابل تولید خود را با ۸/۵ میلیون بشکه در روز کاهش داد. مثل اینکه در سطح

استقلال اقتصادی ، رول نفت و سیاست رژیم ولایت فقیه

(یا دداشتی در حاشیه تبلیغات حکومت سر سر میانه فروش نفت)

تولیدی (بخصوص در شرایط خاصه ما) که منافعی تنها از راه فروش نفت و ورود کالا تا من منسوب میسر میسرند که طبیعتا مخالف رشد تولید ملی میباشد ، مضافا بر اینکه ورود کالاهای مختلف اعمار مصرفی و سرمایه ای ، به وابستگی به اسبق قدرتها تسهیل و مستعد و پستهای وابستگی را محکمتر میسازد ، در اینجا باید به دو نکته اشاره نمود : ۱ - امپریالیستها اعمال کوچک و بزرگشان اساسا منافعیشان با رشد همه جانبه و درجیده اقتصاد ملی کشور - های سومینمرهها زکا رنیمت و شمیوان در انصیخت انتظسار رسالتی از آن راداشت . ۲ - اشاراتنگلی ودلال جامعه که در این رابطه رشد میکنند بیترمنافعیان ، بصورت مانع و سدی در مقابل رشد تولید ملی درمی آیند .

بنابراین ، به طور اختما ر میتوان گفت که عملا تا بحال در جامعه ما دو پیشش در مقابل هم وجود داشته اند : اول پیشش که زدن ساخت عقب افتاده کشور را مترادف با عدم تکا به فروش نفت و کم کردن هر چه بیشتر نقش در آمدنای از نفت در اقتصاد سداند و سحای آن تا کبدر ابروی کثا و زری وسعت کوچک میگدارد . دوم پیشش که نه تنها با این مسئله مقتصد سیمت بلکه میخواهد بقول خودی با فروش نفت و تکا به در آمدنای از آن مثلا به عسط اسلامی برسد ، که البته بجای آن ره به ترکستان ممبرد ، و البته واضح و روشن است که پیشش دوم ، پیشش طبفسا ب انگلی ودلال حقیقت جامعه است که اهداف شوم خود را زیر پوشش ظاهرفر عبط اسلامی مطرح مینمایند .

با توجه به این مقدمه ، وارد بحث اصلی خودمان میشودیم ، در این مقال ما تلاش داریم که دو نکته را روشن نمائیم : ۱ - نحوه برخورد حکومت ولایت فقیه به این مسئله چیست ؟ آیا جهت گیری آنان نوید یک اقتصاد مستقل و خودکفا را بنا میدهد یا برعکس ؟ پاسخ این سؤال در فهم ما هیت دار و دهنه ، حاکم به ما کفک خواهد نمود . ۲ - وضع فروش نفت در حال حاضر چگونه است ؟ نقش کمیودارزی در شصیق بحرانی که در جامعه ما وجود دارد چیست ؟ آیا دولت قادر به افزایش درآمد نفتی خود و از این طریق التیام بخشیدن ، ولو موقت ، به بحران موجود می باشد یا خیر ؟ پاسخ به این سؤال از این جهت مهم است که با توجه به وضعیت اقتصادی و رونق آن بطور دقیقتری میتوان و طایف جنبش انقلابی را ترسیم نمود .

ابتدا سؤال اول را مورد بررسی قرار میدهم : چیزی که از فحوی سخنان مقامات مسئول مملکتی برمی آید اینست که سیاست دولت در این مورد ، صورتی هر چه بیشتر و تکا به است ، میباشد (البته این مسئله که آیا قادر به عملی کردن این مسئله میباشد یا خیر ، چیزی است که در پاسخ به سؤال ۲ به آن خواهیم پرداخت) . اگر خاطرتان باشد در هنگام مطرح شدن بودجه سال ۶۵ ، سیاست دولت رجحانی افزایش صادرات نفت به ۲/۵ میلیون تنگه بود که مورد مخالفت شدید جنبی مدروافع شد ، در آنصورت سس " مکتبی ها " استدلال میکردند که با توجه به وضع اقتصادی و مسئله جنگ با بیاد از این شروت برای رفع این مشکلات استفاده کنیم .

یک با سه و اما سن وابستگی کشورهای سومینمره ، انحصارات امپریالیستی بمسیم کارنا براسری است که در جهان امروز وجود دارد ، با براس تقسیم کار ، اربکسو ، کشورهسای سومینمره کارشان تولید مواد خام و ادامه حیات اطر بسبق فروش آن میباشد ، در حالیکه اسوی دیگر ، اسحمارات امپریا - لیمی سهای عرصه های دیگر تکنولوژی و تولید را در اختیار خود گرفته اند ، ار همین جهت است که نگاهی کلی به تقریبا تمام کشورهای سومینمره نشان میدهد که اینگونه کشورها اما سا تک محصولی میباشد و حیانتشان به تولید و فروش یک محصول نسکی دارد ، اسحمارات امپریالیستی با جلوگیری از رشد تولید ملی ، همچون رالونی بریکر جامعه عقب نگه داشته شده می چسبند و تمامی منابع حیاتی آن برای رشد و توسعه را مسکند و اشاراتنگلی و غیر تولیدی را در جامعه پرورسسال میدهد ، برای همین است که باید گفت ، ما رره اساسی سسما امپریالیسم ، تلاش برای ارسین بردن این تقسیم کارنا براسر ، اطر بسق رشد تولید ملی و هر چه بیشتر بردن ارنک محصولی بودن ما اسما دیک اقتصاد درجیده و بهم پیوسته و خودکفا میباشد ، کشور ما ایران ، سوهای اراییکونه کشورهای تک محصولی میباشد ، شریان حیات اقتصادی ما صنعت است و اما ما با سسسر بخشهای اقتصاد ما اعمار زمینس و کثا و زری در پرتو سسستان این ماده است که به حیات خود ادامه میدهد ، در ما سیکه سسبده ۷۵ تا ۸۰ مواد اولیه و ماشین آلات مانع موینا از اسسارح تا من میشود و کثا و زری ما در زیر فشار روابط عقب مانده و کهنه عای مسکند و بدین خاطر مقدار بزرگی مواد غذایی از دیگر کشورها وارد میگردد ، در حقیقت میتوان گفت ارزشناشی از نفت به صورت ما من کمنده ، حیات رور مره ، ما در آمده است ، تک محصولی شدن و ما من یک کشور مسلزم و خود شرایط آمده ای در خود آن کشور میباشد ، امپریالیسم با حفظ اساس ساخت کهنه اقتصاد دی و روا - بط بوسنده و پادادن به اشاراتنگلی و غیر تولیدی شرایط لازم برای تک محصولی بودن را حفظ و ایما دمیکند و اسوی دیگر نیز خود فروش و تکا به سسب ما من تساووم و حفظ وابستگی و عدم رشد تولید ملی میباشد ، در حقیقت نکته ظریفی که اینجا وجود دارد ، اینست که ردن ساخت کهنه اقتصاد و سسریایی یک نظام اقتصادی شوش و درجیده ، مسرا ددی و همزمان با عدم تکا به فروش نسبت ودوری هر چه بیشتر ارنک محصولی بودن است ، بدین ظهور که سسب سسویان یک نظام نوین اقتصاد دی خودکفا را با فروش نفت و ارز ناشی از آن با سه بری نمود ، برای درک بهتر این مطلب لازم است نکته ای روشن شود : در اقتصاد دولت از فروش نفت به صورت ارز فارحی میباشد که در داخل کشور نمیتوان آن انحصارده نمود ، بنا بر این دولت ناچار است دست به واردات کالا بصوری تبدیل این ارز به پول ایرانی نماید ، به این ترتیب که در ارزی پولی که ارنه براسری دریافت میدارد ، ار در اختیار او برای وارد کردن کالا قرار دهد ، بنا بر این در اقتصاد دولت از فروش نفت به مقدار رسمی است که ممبروند بلکه ساری مقدار واردات سسی است که دارد ، اس مسئله خود بخود به ایما دفتری انگلی و غیر